

در محضر نور

امام علی ^{علیه السلام}

إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ شَبَحْتَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ الْبَلَاءَ فَقَدْ اِتَّقَظَكَ؛ إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ شَبَحْتَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ الْيَعْمَ مَعَ الْفَعَاصِ؛ فَهُوَ اِشْتِدَارُ لَكَ.

هرگاه دیدی خداوند سبحان پیاپی بر تو بلا نازل می‌کند، هر آینه تو را بیدار باش داده است و چون دیدی خداوند سبحان، با وجود آنکه گناه می‌کنی، پیاپی به تو نعمت می‌دهد، این، برای غافل‌گیر کردن توست.

غررالکحکم، ۴۴۶۰-۴۴۶۷



محمد پیامبر مهرآیین

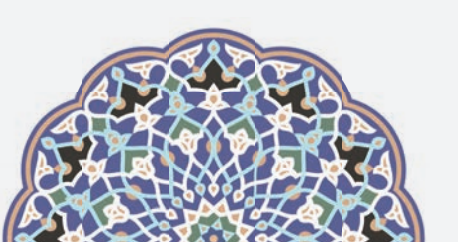
مهرورزی با

پیروان ادیان در سیره

پیامبر گرامی اسلام ﷺ

علی‌رضا مکتب‌دار؛ پژوهشگر دینی و طلبه حوزه علمیه

به‌رغم چهره تاریک و خشنی که دشمنان و یا ناآشنایان با تعالیم آسمانی اسلام، از این دین و پیامبر گرامی آن ^{﴿سورهٔ بقره، آیه ۱۲۹﴾} در تعامل با پیروان سایر ادیان برای دیگران به‌تصویر کشیده و یا خود به ذهن سپرده‌اند، آن‌چنان چهره تابناکی از او در کتاب آسمانی اسلام ترسیم شده که شک و تردید در وجود سراسر مهربانی او را از دل‌های ناآگاهان می‌زداید؛ هرچند مغرضان با دیدن خورشید در وسط آسمان نیز، از انکار آن دست بر نمی‌دارند. همچنین سیره نورانی آن حضرت گواه صدق بر مدعای یادشده است و تهمت‌ها و افتراهای دشمنان و ناآگاهان را پاسخ می‌گوید. در سده‌های اخیر، برخی از پژوهشگران و اندیشمندان غیرمسلمان و بی‌طرف نیز، به‌صراحت بر حسن تعامل آن‌حضرت با پیروان دیگر ادیان، گواهی داده و سیره ایشان را ستوده‌اند. اساساً تعالیم دین اسلام که در قرآن و سنت پیامبر^ﷺ انعکاس یافته است، همگی بر اصل لزوم تعامل انسانی با پیروان سایر ادیان تأکید دارد. در این نوشتار به بررسی برخی آیات شریفه قرآن کریم و نیز گوشه‌ای از سیره پیامبر^ﷺ که در منابع حدیثی و تاریخی انعکاس یافته است، می‌پردازیم و در ادامه، به سخن برخی نویسندگان و اندیشمندان غیرمسلمان در خصوص سیره مهرآمیز آن‌حضرت اشاره خواهیم کرد.



سخن بزرگان

آیت‌الله تاهی همدانی ^{رحمته الله}

کسی که علاقه‌اش به شهوات نفسانیه و امور فانیه دنیویه، بیشتر از علاقه او به خدا و رسول و امام و باقیه امور اخرویه باشد، در خطر شدید است و امتحانی برایش پیش خواهد آمد و غالباً دین خود را به دنیا می‌فروشد.

دام سخت است مگر یار شود لطف خدا
ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم

گزیده هزار و یک کلام، آیت‌الله تاهی همدانی، ص ۱۲۵

به‌ویژه پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه– بسیار کوشید تا با آنان بر اساس اصل مدارا و رحمت رفتار نماید و با گفت‌وگو و نیز انعقاد پیمان، تلاش بسزایی نمود تا زندگی مسالمت‌آمیزی را برای آنان در کنار مسلمانان رقم زند. خداوند به پیامبر^ﷺ دستور می‌دهد که یهود و نصارا را در مسائلی که مورد توافق هردو دسته و نیز اسلام است، به وحدت و همکاری دعوت کند: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم»^{۱۲}.

با اینکه مفر حکومت اسلامی و اقتدار مسلمانان در مدینه بود و آن‌حضرت توانایی این را داشت که با اهل کتاب به‌شدت برخورد کند و آنان را مجبور به تبعیت از دین اسلام نماید؛ اما هیچ‌گاه پیامبر اسلام ^ﷺ اهل کتاب را مجبور به پذیرش دین اسلام ننمود. آن‌حضرت با مسیحیان لطف و ملایمت می‌کرد و آنان را در گزینش و پیروی کردن دین اسلام و مسیحیت کاملاً آزاد گذاشته بود. با یهودیان نیز چنین رفتار نموده و در آغاز با آنان معاهده و پیمان بسته و آنها را در پیروی کردن دینشان آزاد گذاشته بود. در ذیل به مواردی از برخورد‌های مسالمت‌آمیز و رفتار مهربانانه پیامبر اعظم ^ﷺ با اهل کتاب اشاره می‌گردد.

روزی شخص یهودی که از پیامبر اعظم ^ﷺ طلبکار بود، طلبش را درخواست کرد. فرمود: ندارم تا به تو بدهم. یهودی گفت: تا طلبم را ندهی، رهایت نمی‌کنم. پیامبر ^ﷺ فرمود: در این صورت، من با تو (همین‌جا) می‌نشینم. پس همان‌جا نشست؛ چندان که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا و نماز فردا را همان‌جا خواند! اصحاب آمدند و یهودی را تهدید کردند. پیامبر به آنان نگریست و فرمود: به او چه‌کار دارید؟ گفتند: ای رسول‌خدا! او تو را زندانی کرده است. فرمود: خداوند والا مرتبه مرا نفرستاده تا بر غیرمسلمانی که با من پیمان بسته یا نیسته است، ستم روا دارم. چون آفتاب بالا آمد، یهودی گفت: می‌خواستم شما را ببازم‌ایم. گواهی می‌دهم، خدایی جزالله نیست و محمد، بنده و فرستاده اوست. من نیمی از ثروت خویش را در راه خدا می‌دهم.

حضرت محمد ^ﷺ می‌فرمود: کسی که غیرمسلمانی را که با دولت اسلامی پیمان بسته است، بیازد، من دشمن اویم و کسی را که من دشمنش باشم، در رستخیز بروی پیروز خواهم شد. از نفرین ستم‌دیده بپرهیزید؛ گرچه کافر باشد؛ زیرا در برابر (رسیدن این نفرین به خداوند) مانعی نیست»^{۱۳}.

همچنین به همه مسلمانان هشدار می‌داد: هرکس اهل ذمه (یهودی، مسیحی و زرتشتی که در پناه اسلام‌اند) را آزار رساند، مرا آزار رسانده است»^{۱۴}.

پیامبر اکرم ^ﷺ همسایه‌ای یهودی داشت که بیمار شد. پس خود به عبادتش رفت.^{۱۵} همچنین روزی یهودیان به دیدارش شتافتند و از دخترش فاطمه [ؓ] برای شرکت در عروسی خود دعوت کردند و گفتند: ما حق همسایگی داریم. از تو درخواست می‌کنیم، دخترت را به خانه ما بفرستی تا عروسی ما با آمدن ایشان رونق گیرد. یهودیان براین درخواست پای فشردند. پیامبر ^ﷺ نیز با خواست آنها موافقت کرد و دخترش را به عروسی‌شان فرستاد.^{۱۶}

روزی پسر یکی از دانشمندان یهودی مدینه، برای گرفتن طلبی که از آن‌حضرت داشت، نزد ایشان آمد. پس عباى حضرت را گرفت و با تندی به او گفت: شما فرزندان عبدالمطلب، همواره در پرداخت وام خود تأخیر می‌کنید. عمر بر او بانگ زد. پیامبر لیخندی زد و فرمود: ای عسرا من و او به چیز دیگری نیازمندیم. به من بگو خوش حساب باش و به او بگو با مهربانی طلبش را بخواهد! سپس فرمود: هنوز سه روز از مهلتی که بین ما بوده، باقی است. بعد به عمر فرمود تا طلب وی را بدهد و چون او را ترسانده است، اندکی هم، افزون بر طلب بپردازد. همین رفتار سبب شد، این دانشمند یهودی مسلمان شود.^{۱۷}

یکی از بزرگان قبیله کنده می‌گوید: نزد علی [ؓ] بودیم. اسقف نجران نزد حضرت آمد. امام خود را جابه‌جا کرد و جایی برای نشستن وی آماده ساخت. یکی از حاضران گفت: آیا برای مردی مسیحی چنین می‌کنی؟ امام [ؓ] فرمود: در زمان رسول‌خدا ^ﷺ وقتی که آنان خدمت حضرت می‌رسیدند، او با آنها چنین رفتار می‌کرد.^{۱۸} آنچه یاد شد، تنها نمونه‌ای از رفتارهای پسندیده پیامبرگرامی اسلام ^ﷺ با پیروان سایر ادیان بود؛ اما گواهی نویسندگان و اندیشمندان غربی درباره رفتار نیکوی حضرت با پیروان ادیان آسمانی نیز قابل توجه است. در پایان این نوشتار به برخی از این دیدگاه‌ها اشاره می‌کنیم.

• **پیامبر ^ﷺ از نگاه مستشرقان منصف**

جان دیورپورت در کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه قرآن و محمد ^ﷺ درباره نحوه تعامل پیامبر ^ﷺ و مسلمانان با مردم سوریه در جریان جنگ تبوک می‌نویسد: «پس از زحمات و مشقات بی‌سابقه بالاخره اردو به سوریه وارد شد و در این‌جا با مخالفتی مواجه نگردید؛ زیرا پس از زد و خورد‌های کوچک و بی‌اهمیت همه امرای کوچکی که کشور سوریه آن روز، میان آنها تقسیم شده بود، به اردوی مسلمین روی آورده و خودشان را روی پای پیغمبر ^ﷺ انداختند. این روزها شهرت پیغمبر به جایی رسیده بود که همان شهرت برای مغلوبیت دیگران کافی بود. محمد ^ﷺ مالیات و جزیه‌هایی برعهده آنان گذاشت؛ ولی در هر صورت عقاید دینی مغلوبین را محترم شمرد. راست است که همیشه نشر و تبلیغ دینش را توصیه و تأکید می‌کرد؛ ولی هیچ‌وقت آن را به‌صورت قانون بر دیگران تحمیل نمی‌نمود و از این راه آنچه را در قرآن نوشته شده بود، اجرا می‌کرد و آن این است که: «پس اگر با توبه محاجّه برخاستند، بگو: «من خود را تسلیم خدا نموده‌ام و هرکه مرا پیروی کرده [نیز خود را تسلیم خدا نموده است].» و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو: «ایا اسلام آورده‌اید؟» پس اگر اسلام آوردند، قطعاً هدایت یافته‌اند و اگر روی برتافتند، فقط رساندن پیام بر عهده توست و خداوند به [امرا] بندگان بیناست.» (آل عمران، ۲۰) موفقیت محمد ^ﷺ در این مرحله اصولاً ناشی از رحم و مروتی بود که به مسیحیان نشان داد و از آنها فقط جزیه مختصری گرفت. بدین طریق وقتی که به مدینه مراجعت کرد، قلوب تمام افرادی را که مغلوب کرده بود، مسحور مهر و محبت و مجذوب عاطفه ترجم دینش کرده بود»^{۱۹}.

همچنین جان بایزاس در کتاب تاریخ جامع ادیان درباره رفتار فاتحان مسلمان با مردم شام می‌نویسد:
سکنه بومی شام، اعم از یهودی و مسیحی، هیچ‌یک از این پیشامد [فتح شام توسط سپاهیان اسلام] چندان ناشاد و دلگیر نبودند، زیرا از فشار ظلم و بیداد رومیان به‌ستوه آمده و از ادامه جنگ‌های خونین بین روم و ایران مستأصل شده بودند. اعراب با آنها به عدل و احسان رفتار می‌کردند و اوامر قرآن شریف را درباره آنها رعایت می‌کردند و برآن بودند که اگر اهالی شام دست از مقاومت بردارند، با آنها جنگ و خونریزی نیاید کرد و روی همین سیاست، شهر دمشق پایتخت شام تسلیم گردید.^{۲۰}

خانم آنه ماری شیمل؛ محقق و دانشور آلمانی درباره مهرورزی آن‌حضرت چنین می‌نویسد:

خوانندگان مغرب زمین که با سنت آمیخته به نفرتی چندین قرنی نسبت به محمد ^ﷺ پیروزش را یافته‌اند. شاید انگشت تحیر گزند که مهم‌ترین خصلت پیامبراکرم ^ﷺ، مهربانی و تواضع اوست؛ تمامی مدارک و منابع معتبر از عطوفت و در عین حال وفار محمد ^ﷺ سخن گفته‌اند.^{۲۱}

- سال بیستم
- شماره ۶۸۴
- دوشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۰
- ۱۲ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

Ofogh-e Hawzah Weekly

• صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

• مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: محمدرضا برته

• سردبیر: رضا‌تعلی عزیزی

• با همکاری هیأت تحریریه

• تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • شماره: ۳۲۹۰۱۵۲۳ • صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱

• نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵

• پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir

• پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir

• امور هنری: سید امیر سجادی

• کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۱۵

● **عطر یار**

کو وعده آن تک‌سواری که به من دادند؟

علی‌اکبر لطیفیان

پانزید شد فصل بهاری که به من دادند

طی شد تمام روزگاری که به من دادند

خورشید پیشم هست اما من نمی‌بینم

نفرین به این چشمان تاری که به من دادند!

یعقوب نابینای راه یوسفم کرده

این گریه بی‌اختیاری که به من دادند

از بس نیامد که زمان رفتنم آمد!

این‌گونه سر شد انتظاری که به من دادند

پایان کار «من» به وصل «او» نینجامید

آخر چه شد قول و قراری که به من دادند

ای جاده‌ها! ای جمعه‌ها! ای مردم دنیا!

کو وعده آن تک‌سواری که به من دادند؟

من آرزوی دیدنش را می‌برم، شاید...

...گاهی بیاید تا مزاری که به من دادند

حالا زمستان است و من در گور خوابیدم

خورشید من! این خانه تاریک به من دادند

● پی‌نوشت‌ها

- سیره نبوی (منطق عملی)، ۸/۳۰
- کشف، ۶ (فَلَقَدْ کَانَ بَایْغَ لِنَفْسِکَ عَلٰی اَتَآرِہِمَ اِنْ لَّمْ تُؤْمِنُوْا بِہٰذَا الْخَدِیْثِ اَسْمًا)
- شماره: ۳ (فَلَعَلَّکَ بَایْغَ لِنَفْسِکَ اَلَّا یُکُوْنُوْا مُؤْمِنِیْنَ)
- تفسیر صافی، ۲۳۱/۳
- من وحی القرآن، ج ۱۴، ص ۲۷۱
- توبه، ۱۲۸ (لَقَدْ جِئَکُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِکُمْ غَرِیْبٌ عَلَیْہِ مَاغَیْبٌمٌ حَرِیْضٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنِیْنَ رُوْفٌ رَّحِیْمٌ)
- المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۱۲
- شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۲۵
- تفسیر محیی‌الدین غربی، ج ۱، صص ۷۴۲–۷۴۳.
- در بخش سیره حضرت به این داستان اشاره خواهد شد.
- ترجمه و برداشت آزاد از: نرم‌افزار نور عرفان، مجموعه آثاراسلمی، ج ۳، ص ۱۸۶
- آل‌عمران، ۶۴
- ملکوت اخلاق، ص ۳۷
- بلاغی، صدرالبدین، عدالت و قضا در اسلام، ص ۵۷
- همام گل‌های بهاری، ص ۱۸۴، برگفته از: المصنف، ج ۶، ص ۳۱۴
- تاریخ ازدواج، ج ۴۲، ص ۲۰
- سنن کبری، ج ۶، ص ۵۲
- همام گل‌های بهاری، ص ۱۸۵.
- عذر تقصیر به پیشگاه قرآن و محمد، ص ۶۱-۶۲
- تاریخ جامع ادیان، جان بایر ناس، انتشارات علمی و فرهنگی، علی‌اصغر حکمت، تهران، ۱۳۹۶، ص ۷۴۱
- آل ماری فیمل، محمد رسول‌خدا^ﷺ، ترجمه: حسن لاھوتی، ص ۹۱–۹۰ (بمنقل از: https://hawzah.net)

مسئول مرکز تخصصی مشاوره اسلامی

سطح ۴ مشاوره اسلامی با گرایش

ازدواج و خانواده راه‌اندازی می‌شود



حجت‌الاسلام والمسلمین حسینخانی، از راه‌اندازی اولین دوره سطح ۴ مشاوره اسلامی، با گرایش ازدواج و خانواده در قم طی سال جاری خبر داد.

به گزارش خبرگزاری حوزه در کاشان، حجت‌الاسلام والمسلمین‌های حسینخانی، ۲۲ مهر در جلسه یک‌روزه آموزشی و توجیهی دانش‌پژوهان سطح ۴ مشاوره اسلامی حوزه علمیه کاشان، درم‌درسه علمیه آیت‌الله ابوتراب امامی کاشانی، اظهار داشت: تربیت مشاوران آشنا با آموزه‌های دینی، هدف اصلی راه‌اندازی رشته مشاوره اسلامی بود.

مسئول مرکز تخصصی مشاوره اسلامی با بیان اینکه برای راه‌اندازی رشته مشاوره اسلامی در ابتدا با مشکلاتی روبه‌رو بودیم،

از برگزاری نهمین دوره رشته مشاوره اسلامی خبر داد و خاطرنشان کرد: در حال حاضر این رشته در ۱۲ استان کشور راه‌اندازی شده و همچنان رویه گسترش است.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسینخانی، از راه‌اندازی اولین دوره مشاوره اسلامی سطح ۴ گرایش ازدواج و خانواده در قم خبر داد و گفت: به‌دلیل وجود استاید توانمند در حوزه علمیه قم، امیدواریم بتوانیم گرایش‌های دیگری را به رشته مشاوره اسلامی اضافه کنیم.

وی مبارزه با فرهنگ غرب را از اهداف راه‌اندازی مشاوره اسلامی عنوان کرد و ادامه داد: دانش‌پژوهان مشاوره اسلامی با انتخاب موضوعات مرتبط با مباحث علمی درسی، می‌توانند موفقیت‌های خوبی را در پیشرفت علمی به‌دست آورند.

مسئول مرکز تخصصی مشاوره اسلامی، نیاز جامعه به مشاوران اسلامی را، از دیگر دلایل راه‌اندازی این رشته برشمرد و یادآور شد: تمام تلاش خود را در اخذ رشته‌های بیشتر مشاوره اسلامی به‌جهت نیاز جامعه، به‌کار خواهیم گرفت.